



زهرا طیبی

خبرنگار گروه سیاست

در میانه جنگ ایـران و عراق، آیت‌الله خامنه‌ای در جریان حضور در جبهه‌های جنگ، در پاسخ به این سؤال که «در ارتش توحیدی منطق باید این باشد که ما برای اسلام مبارزه می‌کنیم یا وطن» می‌گویند: «امروز وطن ما با اسلام یکی است. وطن شما؛ ایران عزیز، با اندیشه اسلام که همان مایه اصلی انقلاب است، جفت شدند و برهم منطبق شدند، اگر بخواهید از اسلام دفاع کنید؛ اما از ایران دفاع نکنید، می‌شود؟ ممکن است؟»
شنبه‌شب، حسینیه امام خمینی (ره) آیینه تمام‌نمایی از همین همراهی اسلام و ایران بود. خلق چنین تصویری در بیت رهبری درحالی‌که موجب‌بگیران صهیونیستی از عدم حضور رهبر انقلاب به‌خاطر پروتکل های امنیتی، توهم پیروزی برداشته بودند و با به‌راه‌انداختن جنگ روانی از «دوران پساخامنه‌ای» می‌گفتند، تمام برنامه‌ریزی‌های آن‌ها را خنثی کرد تا آنجا که تا ساعاتی پس از این خبر، نمی‌دانستند باید چه واکنشی به حضور رهبر انقلاب نشان دهند. جنس این حضور، یک کار تمیز رسانه‌ای و انقلابی را خلق کرد که هم انسجام ملی-میهنی را به‌بالاترین درجه از زمان شروع جنگ و شاید یک دهه اخیر رساند، هم ضدحمله‌ای درخوره‌به‌پروژه‌های رسانه‌های فارسی‌زبان صهیونیستی زد. علاوه‌برآن رسانه‌های بین‌المللی نیز توانستند از کنار این اتفاق مهم بی‌تفاوت عبور کنند و به‌ضرورت ارزش‌های خبری مجبوره به‌پوشش این رویداد کم‌سابقه شدند. شب عاشورای حسینی پیروزی دیگری را در کارنامه انقلاب اسلامی و برای مردم ایران ثبت کرد، واکنش مثبت مردم بعد از اولین حضور مردمی رهبر انقلاب نقطه اثبات شکست پروژه‌ای بود که صهیونیست‌ها به طمع موفقیت در آن به خود جرئت تجاوز زده بودند. نکته موردتوجه آنکه این پیروزی با تدبیر و هوشمندی فرماندهی کل قوا در تمام عرصه‌ها حاصل شد.

تیر خلاص به پروژه شکاف ملت دولت

پروژه کلان صهیونیست‌ها برای حمله و تجاوز به ایران این طور طراحی شده بود که با شروع حملات آن‌ها، موجی از ناراضایی و اعتراض در میان مردم ایجاد می‌شود و آن‌ها از این ناراضایی ایجادشده، بهره‌برداری می‌کنند و می‌توانند مردم را با خود همراه کنند. صهیونیست‌ها تصور می‌کردند با شروع تجاوزات آن‌ها شکاف ایجادشده میان مردم و نظام حکمرانی تقویت خواهد شد و شروع حمله تیر خلاصی به این شکاف ایجادشده وارد خواهد کرد و نظام سیاسی ایران در کنار از دست‌دادن فرماندهان نظامی مردم را نیز از دست خواهد داد و نظام سیاسی ایران فروپاشیده خواهد شد. اما با شروع تجاوز صهیونیست‌ها همدلی و انسجامی در میان مردم ایران شکل گرفت که مشابه آن در دوران تجاوز رژیم بعث عراق به ایران رخ داده بود. برخلاف انتظار صهیونیست‌ها نه‌تنها ایرانیانی که در داخل کشور زندگی می‌کردند، بلکه حتی چهره‌هایی که سال‌ها از ایران هم دور بودند این حمله را محکوم کردند و در وصف وطن و میهن گفتند. شکست خوردن پروژه همراه‌سازی مردم و افکار عمومی در کنار هوشمندی و تدبیر نیروهای نظامی باعث شد تا آن‌ها از توقف جنگ بعد از درگیری محدود دوهفته‌ای استقبال کنند. اما توقف جنگ نظامی به این معنا نبود که جنگ روانی صهیونیست‌ها علیه مردم ایران متوقف خواهد شد. از روزهای بعد از توقف این درگیری با جنگ روایت‌ها شروع شد و دو طرف تلاش کردند تا با ذکر دستاوردها خود را به‌عنوان طرف پیروز جنگ معرفی کنند، موجب‌بگیران فارسی‌زبان صهیونیستی و رسانه‌هایشان پروژه و خط اصلی یعنی ایجاد و تقویت شکاف میان مردم و نظام حکمرانی را ادامه دادند، این پلن با الفای اینکه نظام حکمرانی ایران نمی‌تواند نیازهای مردم را رفع کند و مقصر شروع این جنگ نه اسرائیل که ایران است؛ چرا که موجودیت اسرائیل را تهدید کرده و یا تأکید بر اینکه ارتش اسرائیل با مردم عادی کاری ندارد و تنها مبارزش با نظامیان ایران است؛ پیش رفت. هدف هم از ابتدا مشخص

سرای امید

راهبرد دقیق رهبر انقلاب در همگرایی ایدهٔ ملیت_امت فرصت مهمی برای تثبیت و بازسازی اجتماعی فراهم می‌کند



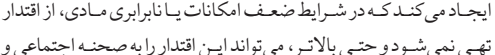
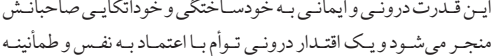
صهیونیست در ادامه توهین‌هایشان به لفاظی ادامه می‌دادند که اگر رهبر انقلاب در شب عاشورادر مراسم حسینیه حضور پیدا نکنند، یعنی «دوران پساخامنه‌ای» شروع شده‌است، رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی حاضر شدند. این حضور نه‌تنها خبرسازی دروغ در مورد سلامتی رهبر انقلاب را بر ملا کرد، بلکه مجموعه کاملی از پروژه‌های صهیونیست‌ها علیه مردم ایران را هم به شکست کشاند. البته این موضوع نیز قابل ذکر است که موجب‌بگیران موساد در حالی عدم حضور رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی آن‌هم به‌خاطر پروتکل های امنیتی را به ضعف و ترس تعبیر می‌کردند که به‌گفته رسانه‌های صهیونیستی، پلدر خوانده‌های آن‌ها، تانیاهو و فرماندهان صهیونیست در تمام طول جنگ با ایران، جلساستاش را در یک پناهگاه زیرزمینی در کوه‌های اورشلیم برگزار می‌کردند. البته برخی رسانه‌های صهیونیستی هم می‌گویند بعد از شروع پاسخ‌های ایران، تانیاهو و فرماندهان ارتش اسرائیل مخفیگاهشان در بیمارستان بود و آن‌ها جلساستاش را زیر بیمارستان اچپیلوف تل آویو برگزار می‌کردند.

سربازان ایرانی موساد؛ سردرگمان دوران پشاکشکست

خنثی کردن پروژه‌های ضدانقلاب آن قدر برای رسانه‌های فارسی‌زبان صهیونیستی و خبرنگارانشان غیر منظره بود که تا دقایقی بعد از انتشار این خبر، دچار سردرگمی شده بودند و نمی‌دانستند در مقابل تصویر یکپارچه‌ای که بعد از حضور رهبر انقلاب در ایران خلق شده و واکنش گسترده مردم، باید کدام سمت این ماجرا بایستند و برای تضعیف این تصویر پیروزی چه موضعی بگیرند. درحالی‌که رسانه‌هایی مثل الجزیره برای پوشش اخبار حضور رهبر انقلاب برنامه‌های خود را متوقف کردند، بی‌بی‌سی فارسی که این‌روزها تلاش می‌کند در قامت یک رسانه حرفه‌ای پروژه فریب را پیش ببرد، در بخشی از خبرش در مورد حضور رهبر انقلاب «بعد از هفته‌هایت» همان خط تضعیف را پیش برد. بی‌بی‌سی این خط تضعیف را متوجه مداحی محمود کریمی در بیت رهبری هم کرد و نوشت: «محمود کریمی این سرود را با دخل و تصرف و پیوندزدن ایران با مفاهیم مذهب مثل ایران کربلایی و ایران عاشورایی خواند.» اینترنشنال هم که یک بخش از این پروژه صهیونیستی بود، محمود کریمی را مداح حکومتی خواند و با تیتیر خنددار «مداحی در خواستی» اخبار را پوشش داد. چهره‌های فارسی‌زبان موساد هم که در چند روز گذشته، تا جایی که از آن‌ها بر می‌آمد به توهین به ولایتفقیه ایران پرداختند، بعد از حضور رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی با پاسخ‌هایی در خور موجب‌بگیران تانیاهو و هم‌قطارانش از سوی کاربران ایرانی مواجه شدند اما نکته مهم‌تر



در واقع آنچه شیخ جوان منبری می‌گوید همان ساده شده حرف تبریزی است یعنی الگوی رهایی‌بخش شیعه را هر کار هم کنند، نمی‌توانند نابود کنند. در واقع یزید سال ۶۱ هجری قصد داشت ایده تشیع را برای همیشه از بین ببرد اما تصور هم نمی‌کرد قرن‌ها این ایده تحولات مهمی را شکل دهد. در حال حاضر هم اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها هر چند به لحاظ فردی ترورهای موفقی را شکل دادند اما باز هم متوجه نشده‌اند که ایران اسلامی یا همان ایده پیوند تشیع و ایران که به علت رهایی‌بخش هر دو در هم تنیده شده‌اند بزرگ‌تر از آن است که با حذف افراد به آن لطمه وارد شود و حتی قدرتمندتر از قبل ظهور می‌کند؛ در واقع ایران و تشیع به نوعی دو الگو و ترجمان یکسان هستند که در هم تنیده شده‌اند. خرد و رهایی‌بخشی تشیع امتداد همان خرد و رهایی‌بخشی ایران است؛ در واقع شکل حقیقی ایران است و این دقیقاً همان تمدن ایران اسلامی است که طرف غربی هیچ درکی از آن ندارد؛ چون فهم ادراکی نه از ایران دارد نه از تشیع. به همین خاطر در تمام سال‌ها با حذف



رهبری دینی پیش و بیش از ابزارهای مادی، متکی به یک قدرت ایمانی و باطنی و درونی است که ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های شخصیت و فکر انسان یعنی جهان‌نگری‌اش دارد که شهید ابراهیم مقلیل از فرماندهان حزب‌الله از آن به عنوان «توحید عملی» نام می‌برد.

این قدرت درونی و ایمانی به خودساختگی و خودتکاپی صاحبانش منجر می‌شود و یک اقتدار درونی تروم با اعتماد به نفس و طمأنینه

ایجاد می‌کند که در شرایط ضعف امکانات با ناپرابری مادی، از اقتدار

تهی نمی‌شود و حتی بالاتر، می‌تواند این اقتدار را به صحنه اجتماعی و

ساختار سیاسی و نظامی مثل این جنگ ۱۲ روزه پمپاژ کند و سرنوشت

این تهدید پیچیده را تغییر دهد.

تجربه میرزای شیرازی در موفقیت جنبش تحریم تنباکو به‌رغم فقدان ابزارهای

آن بود که سردرگمی آن‌ها در مواجهه با این حجم از واکنش مثبت، آن‌ها را به مهمل بافی و هزل‌گویی‌های عجیب‌وغریب کشانده بود. برای مثال پیامی که سسرباز خبرنگار فارسی‌زبان موساد منتشر کرد که «آخرین معجزه موساد همین‌جاست. به خواب هم نمی‌دیدی مراسم محرم، محل جولان ملی‌گرایی شود» نشان می‌داد که با برچیده‌شدن بساط پروژه‌هایشان، حالا نمی‌دانند باید کدام سمت این همگرایی ملی را بگیرند که بتوانند اختلاف بیندازند و حالا در تلاشی بی‌حاصل به دنبال برجسته‌سازی دعوی موهوم ملی، مذهبی هستند. نکته مهم‌تر این ماجرا آن بود درحالی‌که برخی خبرنگاران و چهره‌های ضدایرانی تلاش می‌کردند تا با ژست انسان‌دوستی، واقعیت نگاه و مأموریتشان را پشت در کلمات پنهان کنند اما واکنش آن‌ها بعد از حضور رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی درست مقابل نگاه مردم قرار گرفت و اثبات کرد خط آن‌ها از موجب‌بگیران صهیونیست جدا نیست و در واقعیت در یک صف قرار دارند. در میان سردرگمی موجب‌بگیران صهیونیست، در داخل کشور موج گسترده‌ای از واکنش و همراهی افکار عمومی ایجاد شد که این بار با محوریت رهبری انقلاب ایران همراه شد و میزان محبوبیت رهبر ایران را به نمایش گذاشت. عباس عراقچی، وزیر خارجه دقایقی بعد از ورود به برزیل برای شرکت در اجلاس بریکس با انتشار این توییت «با تو می‌شود دل به دریا زد» به حضور رهبر انقلاب واکنش نشان داد. محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر خاتمی هم با این پیام «آقا آمد، با ایران آمد» به حضور رهبر انقلاب واکنش نشان داد. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور هم بعد از پایان مراسم عزاداری در بخشی از پیامش نوشت: «ملت امام حسینی ایران، یکدل و یک‌صدا و با انسجام اجتماعی، اجازه نداد خواب‌شوم بدخواهان ایران تعبیر شود.» محمدرضا جلالی‌پور هم در تحلیلی نوشت، «اگر در این نقطه نظر سنجی شود، هم در ایران هم در منطقه، محبوبیت فرمانده کل قوای ایران بیش از همه سال‌های بعد از ۸۸ است.» علی باقری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم «فرمانده کل قوای ایران را پیروز در نبرد دفاعی و جنگ ترکیبی دشمن وحدت و یکپارچگی ایران خواند.» علی بهادری جهرمی در بخشی از پیامش «حاج محمود در نماینده تمام ملت ایران خواند.» محسن رضانی هم نوشت: «همه فهمیدند که ستون این خانه، محکم و استوار است و هیچ طوفانی نمی‌تواند این خیمه را از جا بکند.» علاوه بر واکنش چهره‌ها و سلاطین سیاسی، در فضای مجازی واکنش‌های زیادی از چهره‌هایی دیده می‌شد که شاید علقه زیادی به رهبر انقلاب نداشتند اما اذعان کردند که از دیدن رهبر انقلاب خوشحال شدند و اطمینان قلبی به آینده پیدا کردند. در واقعیت، علاقه آن‌ها به وطن در کنار ابراز علاقه رهبر انقلاب به وطن باعث شد آن‌ها نیز با این موج همراه شوند و به آن واکنش مثبت نشان دهند.

پایانی بردگانهٔ موهوم امت_ملت

حضور رهبر انقلاب در مراسم حسینیه امام خمینی (ره)، علاوه بر به شکست کشاندن صهیونیست‌ها و جلب‌توجه رسانه‌های بین‌المللی، برای فضای سیاسی اجتماعی داخلی نیز پیامی زیرکانه داشت. در میانه اوج گرفتن دوگانه باطل امت، ملت و درحالی‌که این دوگانه، تنه به تنه پروژه صهیونیست‌ها می‌زد رهبر انقلاب بدون اشاره به این نزاع بی‌حاصل، درهم‌تیدگی هویت ایرانی و اسلامی را در حسینیه امام خمینی به تصویر کشیدند. «ای ایران» خواندن حاج محمود کریمی در حسینیه امام خمینی، اعلام پایان این دوگانه و ابطال هر اظهارنظری بود که به این دعوی ساختگی دامن می‌زد. رهبر انقلاب با ظرافتی هوشمندانه، علاوه بر آنکه خدعه دشمنان ایران را خنثی کردند، اختلافات داخلی که حول محور هویت ایرانی ساخته شده بود را نیز حل کردند. پاسخ این نزاع مشخص بود. ایرانیان سال‌ها با ترکیبی از هویت ملی، مذهبی زیست کرده بودند، حتی انقلاب اسلامی ایران نیز در دام خوانش‌های غلط ایجاد شکاف میان ملیت و اسلام نیفتاد. این دو هویت، هیچ زمان جدا از یکدیگر حرکت نکردند. حالا با حل این نزاع،جاء، مواجهه با این انسجام ملی و فرصت‌سازی از این همگرایی ملی است که می‌تواند این پیروزی و سر مایه اجتماعی ایجاد شده را حفظ و تثبیت کند.



افراد هیچ دستاوردی نداشته‌است. اما خطای اخیر یک دستاورد بزرگ را هم به همراه داشته است: مجدد ایران اسلامی یا همان ایران شیعی را که در شکاف‌های گسترده دهه ۹۰ به نوعی به سمت گسست حرکت می‌کرد، به یکباره ترمیم‌شد و مجدد مانند لحظه انقلاب ۵۷ یا مانند ایده‌فردوسی در شاهنامه یا مانند ایده سربداران و صدها تلاش ایران شیعی نشان داد که اگر ایران قوی می‌خواهیم باید ایران شیعی را مجدد بازآفرینی کنیم. باید به سمت امر ملی با شرایط جدید حرکت کرد؛ حتی نشان داد همستگی و کلافی که پیوند را برقرار می‌کند همان رهایی‌بخشی ایده‌ای است که تبریزی به آن اشاره می‌کند؛ یعنی ایران و تشیع به نوعی دارای خرد رهایی‌بخشی هستند که هیچ‌گاه قابل حذف نیست؛ فقط هنگامی که این خرد رهایی‌بخش دچار گسست و اقت می‌شود، ایران در خطر است و اگر مثل شرایط فعلی این ایده مجدد قدرتمند شود گام‌های اولیه به سمت ایران قوی را می‌توانیم طی کنیم و این رخداد اخیر بهترین فرصت برای قوی‌تر شدن ایران است.



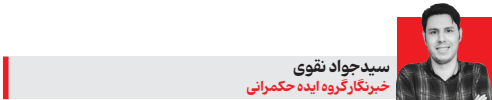
کارآمدی رهبری دینی در ۲ جنگ نظامی و روانی

مادی متعارف، تجربه امام خمینی (ره) در سقاظ کردن پهلوی و تأسیس و تثبیت جمهوری اسلامی بدون امکانات مادی و تجربه سیدحسن نصرالله از تبدیل کردن یک گروه کوچک به یک جریان مؤثر شیعی در لبنان و یک محور قدرت در جریان مقاومت ضداسرائیلی و تجربه مرجعیت شیعه در عراق یعنی آیت‌الله سیستانی در غلبه بر داعش و حفظ یکپارچگی عراق، برخی دیگر از شواهد کارآمدی و توانایی این قدرت درونی و ایمانی در رهبری دینی است که مزیت ایران در این وضعیت نابرابر قدرت مادی، در برابر دشمنانش است. تجربه جمهوری اسلامی در دوره امام و رهبر انقلاب نشان می‌دهد این قدرت درونی خود را بی‌نیاز از قدرت مادی نمی‌داند، بلکه خود باید‌گذار قدرت مادی و ابزاری و توسعه اقتدار مادی مانند قدرت موشکی نیز است که در همین جنگ تغییردهنده موازنه نظامی شد. اما این مهم است که خود را محدود به آن نمی‌کند.

به طرح او کمک کند و چند سالی مطالعه هم‌زمانی را شروع می‌کند. در حدود سال‌های ۲۰۱۸ یعنی بعد از شکست ایده‌های بهار عربی و بازگشت دیکتاتوری خشن به این کشورها، تبریزی ایده‌ای را مطرح می‌کند که «چرا بهار عربی ناموفق بود ولی انقلاب اسلامی موفق شد؟» تبریزی در این باب تفاوت‌های زیادی را یاد می‌کند مثل قدرت کاریز ماتیک امام خمینی؛ یا شبکه اجتماعی قوی تر تشیع در ایران و موارد دیگر، اما اصل ایده را ادامه طرح میشل فوکو می‌داند یعنی آنچه اصل و اساس است قدرت رهایی‌بخش تشیع است. تبریزی معتقد است فوکو تحت عنوان معنویت سیاسی متوجه این ایده شده بود اما چون اطلاعات و تخصصی نداشت، اساس تشیع را متوجه نشده بود. تبریزی می‌گوید این ایده رهایی‌بخش تشیع همان گوهر اصلی انقلاب در ایران بوده است که ذیل مفهوم‌های تاریخ‌نگاری غربی فهم نمی‌شود. به همین جهت غربی‌ها هر آنچه از انقلاب گذشت باز هم همان تفسیرهای رایج و غلط را شکل داده‌اند.



هم‌شود و در میدان ظاهری هم پیروزی با سپاه حق باشد، اگر متحد باشیم و اگر دست ولایت را رها نکنیم. رهبری در حسینیه حضور داشتند، مردم هم به نمایندگی از ملت آنجا بودند؛ جای نمادی عیان از این خالی بود تا مثلث اقتدار را کامل شود که آن را هم رهبر هنوز از راه نرسیده، تدبیر کردند و از مداح خواستند «ای ایران» بخواند. «ای میهن خدایی، صحن امام رضایی/ایران ذوالفقار و ایران عاشورایی/در روح و جان من: می‌مانی ای وطن/تویی تویی تو هستی حرم، تویی تو خانه من…» مردم هم خوانی نمی‌کردند، رسماً همراه با محمود کریمی فریاد می‌زدند و در موج فریادهایشان دوگانه‌سازی‌های دروغین ملت و امت رنگ می‌باخت. ایران ما مرکز اقتدار اسلام شده است و اسلام هم دلیل اقتدار ایران؛ این هر دو در کنار هم همراه با ولایت و مردم پلنده‌ای را به وجود آورده که حالا دنیا آن را به قهر مانی که مقابل تروریسم و توحش اسرائیل می‌ایستد، می‌شناسد.



سید جواد نقوی

خبرنگار گروه ایده حکمرانی

ظاهر عاشورا دارم به منبری گوش می‌دهم. روحانی از سختی‌های کاروان امام حسین (ع) می‌گوید. هر چه می‌گوید، تکمله‌ای اضافه می‌کند که «این‌ها قابل توصیف نیست»؛ راست هم می‌گوید. شدت رخداد وسیع و دهشتناک بوده اما بلافاصله از صبر و تحمل و صدها جنبش شیعی مثال‌هایی می‌زند از زید تا مختار و… شیخ درستست می‌گوید اما واژهای که به کار می‌برد، دقیق نیست. می‌گوید این یعنی شیعه بودن؛ این حرف‌ها من را به یاد طرح بلندبالای بهروز قهری‌تبریزی انداخت؛ قهری‌تبریزی که رئیس بخش ایران و خاور میانه دانشگاه پرستون است نزدیک به ۲۰ سال تحقیق کرده است که چه شد انقلاب در ایران شکل گرفت؟ هنگامی که در حال توسعه تحقیق خود بوده با بهار عربی روبه‌رو می‌شود و تصور می‌کند این انقلاب‌ها هم می‌تواند



وطن، ملت، رهبر

ادامه از صفحه یک

حسینیه امام خمینی (ره) به انفجار رسید؛ اشک، هیجان، شعار، شعور. آن شب حسینیه امام خمینی یا همان بیت رهبری تجربه‌ای کم‌نظیر را از سر گذراند و البته اتفاق خاصی هم رخ داده بود که تا ساعاتی بعد تیتیر یک رسانه‌های جهان شد. آیت‌الله خامنه‌ای، ولی فقیه عزیز ما گرچه مورد تهدید مستقیم اسرائیل و آمریکا بود، به میدان آمد و عملاً نشان داد هر وقت اراده کند و نه هر وقت آن‌ها بخواهند یا تحریک کنند، پوچی تهدیدها را بیابن می‌کند و حضور و عدم حضورش وابسته به بلوف‌های آن‌ها نیست.

همه شعارها بر خاسته از شعور دینی و سیاسی بود؛ محتوایی که فریاد می‌زد ما برای شهادت‌ها و شما در راه اسلام و برای وطن آماده‌ایم. آمادگی برای شهادت البته الزاماً به شهادت منجر نمی‌شود؛ بله، اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، منجر به عاشورا می‌شود و نه صلح تحمیلی؛ اما عاشورا می‌تواند با مرگ همه سپاه کفر